

از یادداشتهای يك استاد ☆

دکتر خلیل خان ثقفی اعلم الدوله در سال ۱۳۰۴ شمسی معاون وزارت فرهنگ بود و در این سال بود که نخستین بار بنده را با او اتفاق ملاقات افتاد.

در سال ۱۳۰۴ یکی از اصلاحات فرهنگی این بود که نسخه‌های چاپی کتابخانه سلطنتی به کتابخانه ملی منتقل شود تا مورد استفاده عموم باشد. چند تن از فضلا مأمور شدند که فهرست این کتابها را تهیه کنند و بنده هم از آن جمله بودم پس از پایان کار هم تقدیرنامه‌ای بهر يك از ما دادند که بامضای دکتر خلیل خان ثقفی بود.

اعلم الدوله در آن ایام در حدود شصت سال داشت ، کلاه ماهوتی مقوایی بر سر می‌نهاد ، ریشش را می‌تراشید و سبیل را کوتاه نگاه می‌داشت ، غالباً ردنکت می‌پوشید ، جامه‌اش بسیار مرتب و تمیز بود ، همواره کراوات می‌زد ، عصا بدست می‌گرفت ، قامتی بلند داشت که در این اواخر خمیده بود . بسیار ملایم و آهسته سخن می‌گفت در گفتار و رفتار تندی و خشونت نداشت .

وقتی قرار بود به فارغ التحصیل‌های دارالمعلمین عالی خدمت آموزگاری رجوع کنند و اعلم الدوله با محظوراتی که بود دفع‌الوقت می‌کرد . روزی از ناپختگی و جهل به خشونت و تندی تمام باو تعرض کردم ، فراموش نمی‌کنم که با نهایت ملایمت و آهستگی فرمود اگر سابقه دوستی خانوادگی نبود تنبیهت می‌کردم .

اعلم الدوله فرزند میرزا عبدالباقی طبیب است و میرزا عبدالباقی فرزند حاج محمد - اسمعیل بيك طهرانی که در عصر فتح‌علیشاه قاجار می‌زیسته است .

حاج محمد اسماعیل ، از دوستان و ارادتمندان ابوالحسن یغما جندقی بوده ، و یغما هر وقت بتهران می‌آمده در خانه اوسکونت می‌جسته است ، نخستین بار دیوان یغما را حاج محمد اسمعیل تنظیم کرده و به خط پسرش میرزا عبدالباقی بچاپ رسانده است (در سال ۱۲۸۳ هجری) منظور اعلم الدوله از روابط خانوادگی اشاره بدین سابقه بود .

اعلم الدوله در دارالفنون تحصیل کرده بود و دانشکده طب را در آن زمان نیز در تهران پایان برده بود . بعدها برای تکمیل تحصیلات به اروپا رفت و در پاریس فن جراحی و دیگر فنون طب را آموخت ، و در حدود سال ۱۳۱۶ قمری به ایران بازگشت . طبیب مخصوص مظفرالدین شاه شد و در دستگاه شاهی مقامی عالی یافت . بعد از مرگ مظفرالدین شاه چون

با محمد علی شاه هم آهنگی نداشت دیگر بار بیپاریس رفت و پس از عزل محمد علی شاه بتهران بازگشت و به ریاست بلدیة انتخاب شد ، و او نخستین رئیس بلدیة دوره مشروطیت بود .
اعلم الدوله مقامات دیگر دولتی را هم شاغل بوده است از قبیل ریاست حفظالصحة دولتی و نمایندگی ایران در سویس و از این گونه خدمات ، ولی بنده وقتی با او آشنا شدم معاونت وزارت معارف را داشت و گویا آخرین شغل دولتییش بود .

اعلم الدوله در صف نخستین کسانی است که ایران را به معارف اروپائی آشنا کرده اند . او زبان فرانسه و فارسی را خوب می دانست و ازین روی تألیفات و ترجمه هایش در بسط فرهنگ عمومی تأثیری عمیق و با دوام بخشیده است .

تألیفات اعلم الدوله از سی کتاب و رساله در می گذرد که از آن جمله این چند کتاب که بچاپ رسیده مشهور است .

خردنامه جاودان ، پسر کنت دومنت کریستو از فرانسه ، هزار و یک حکایت ، مقالات گوناگون ، رمان تری بوله Triboulet ، کلید زندگی ، فرائد اللغه (فرانسه - فارسی) مقالاتی در معرفه الروح و جز اینها . انشاء اعلم الدوله ساده و روان و بی غلط است و تصویر می کنم در خردنامه جاودان اییاتی از خودش هم باشد .

اعلم الدوله سیگار می کشید به شطرنج هم بی علاقه نبود از منهیات اجتناب داشت و از نماز غافل نمی ماند . کتابخانه او که اکنون در تصرف فرزندش حسین ثقفی اعزازست ، دارای نسخه های ارجمندی است که هم بر شماره آن نسخه ها افزوده می شود و هم خوب نگاهبانی می شود .

گفته شد که وی طبیب مخصوص مظفرالدین شاه بود از این روی در ایجاد مشروطیت از عوامل مؤثر بوده است و آنان که در تاریخ قرن اخیر ایران تألیفاتی دارند از نوشته های اعلم الدوله استفاده و اقتباس کرده اند .

یکی از روزنامه های معروف شصت سال پیش روزنامه عصر جدیدست که مدیر و مؤسس آن عبدالمجید خان متین السلطنه بود . متین السلطنه برادر بزرگتر اعلم الدوله است و بسیاری از مقالات این روزنامه را اعلم الدوله نوشته است .

اعلم الدوله برادر دیگری کوچکتر از خود داشت بنام دکتر جلیل خان دبیر الدوله ، دبیر الدوله پیرمردی نازک اندام و بلند قامت و علیل المزاج بود . عضویت انجمن ادبی را داشت و شعر هم می گفت . چندی نیز ریاست کتابخانه معارف را یافت ، و با مراجعه کنندگان و اهل مطالعه با ملایمت و ادب بسیار رفتار می کرد . او بیشتر عمر خود را در اروپا گذرانده بود و گویا عاقبت هم در اروپا وفات یافت پیش از برادرش اعلم الدوله که در سال ۱۳۲۳ در تهران از دنیا رفت .

مرحوم اعلم الدوله در اسپیری تیسیم Spiritisme یعنی معرفه الروح مشتمل بر علوم غریبه و خواب مصنوعی و ارتباط با ارواح تخصصی داشت . محفلی داشتند که هفته‌ای یک شب تشکیل می‌شد (گویا این محفل اکنون هم برقرار است) درین محفل، از علوم مکتومه بحث و ارتباط با ارواح اجرا می‌شد. بنده هم فقط یک شب بدین انجمن رفتم.

کتاب هفتاد و یک مقاله اعلم الدوله در مباحث معرفه الروحی بچاپ رسیده و قراءت آن یک نوع سرگرمی است ، یکی از داستانهای این کتاب مکالمه با روح خواجه حافظ شیرازی است که بسیار شیرین و خواندنی است.

از کتاب طرفه‌ها

، نوشته اقبال یغمائی

غافل از یاد خدا

هارون الرشید روزی در مجلس انس به معن بن زائده گفت : معن ، تو نیز پیرو فرتوت شده‌ای . جواب داد : دریغ نیست ، از آنکه در خدمت تو عمر گذراندم .

گفت ؛ با اینکه سالها از عمرت سپری شده هنوز ناتوان و درمانده نگشته‌ای و نیرومندی .

جواب داد : شادم ، تا باقیمانده قوتم را در راه خدمت تو صرف کنم .

خلیفه گفت : سخت زبان آور و در جواب گفتن دلیری .

جواب داد : با دشمنانت چنانم که فرمودی .

عبدالرحمن بن زید گفتگوی این دو شنید ؛ آه از دل برآورد و گفت :

وای بر من ، که از خدمت پروردگار شهمه به خدمت یکی از مخلوقاتش پرداخت .